

# تبیین اثر و نقش توسعه در پرتو حقوق بین الملل اقتصادی

مهدی میهمی

مرضیه فتاحی برناجی\*

محمدعلی قدوسی لطف آباد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۳۱

## چکیده

با توجه به تحولات پر اهمیت اقتصادی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی و توجه خاص سایر کشورها به برقراری ارتباطات اقتصادی و تجاری با یکدیگر و با توجه به حجم عظیم فعالیت‌ها و کنترل و هدایت نیروهای متخصص آن‌ها در ایجاد و برقراری ارتباطات تجاری- اقتصادی، لازم است به مسائل حقوقی اقتصادی توجهات ویژه صورت گیرد. مقتضیات مکان و زمان و بحران‌های اقتصادی در جهان امروز نیازهای خاص اقتصادی را می‌طلبد که باید نیروهای داخلی ضمن اطلاع از این قوانین و ضوابط، نقاط آسیب‌پذیری را شناسایی کرده و به حل و فصل مسائل اقتصادی‌شان با سایر دول بپردازند. تضادهای حقوقی سرمایه‌گذاری‌ها و اثرات آن همراه عدم حمایت‌های عمومی در مواردی سبب عدم کارایی گسترده شده است. همچنین اثرات سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در توسعه کشورهای میزبان و اثرات سرمایه‌گذاری‌ها در حمایت از بخش‌های عمومی کشور میزبان در موارد بسیاری نادیده گرفته شده است. هر زمان حمایت‌های سرمایه‌گذاری هدف اولیه در حقوق تجارت بین‌المللی سرمایه‌گذاری خارجی بوده است، اصل استقلال هر کشور با اثرات خاص نسبت به کشور میزبان، به طور شدیدی حقوق کشور میزبان بدون مزیت را در سرزمین‌های خارجی محدود می‌کند، فلذا اهمیت بررسی این موضوع روشن می‌گردد. این مقاله ضمن تشریح

<sup>۱</sup>- دکتری حقوق خصوصی، عضو هیات علمی گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، [mmeyhamy@gmail.com](mailto:mmeyhamy@gmail.com)

<sup>۲</sup>\*- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، پژوهشگر، [golshanfathi@hotmail.com](mailto:golshanfathi@hotmail.com)

<sup>۳</sup>- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، وکیل دادگستری، [ma.ghodoosi@yahoo.com](mailto:ma.ghodoosi@yahoo.com)



و تبیین اهمیت و الزامات خاص موضوع، به بررسی نمونه‌ها و ضرورت و اهمیت آن‌ها در عرصه تحولات جدید بین‌المللی می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** توسعه اقتصادی، حقوق بین‌الملل توسعه، تحولات جدید، سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت بین‌الملل.

## مقدمه

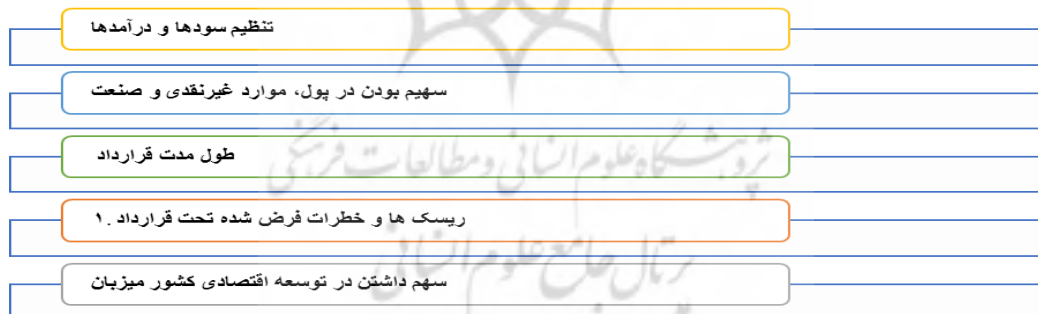
اهمیت و ضرورت بررسی سرمایه‌گذاری خارجی بین‌المللی بعد از گذر از دوره استعمار دولت‌های قدرتمند، اهمیت و ارزش خاصی پیدا کرد. دلیل این امر این است که سرمایه‌گذاران آن کشورها برای اطمینان از رسیدن به اهداف مالی و اقتصادی خود نیاز به پشتوانه‌ای بین‌المللی داشتند تا توسط آن بتوانند به اهداف سرمایه‌داری خود نائل شوند. از سوی دیگر دول استقلال یافته نیز با توجه به قانون و خواسته‌های دول خود بر مبنای مصلحت جامعه شان شروع به فعالیت‌های متنوعی در این زمینه کردند. حرکت‌های لیبرالی به سمت استقلال سیاسی در دهه ۱۹۵۰ در آسیا و آفریقا شکل گرفت. بسیاری از مستعمرات اروپایی در قاره‌ها نه تنها استقلال یافتند بلکه کنترل کاملی بر روی اقتصاد خود پیدا کردند. دول این کشورها نقشی اساسی و مرکزی را در اقتصاد ملی به دست گرفته و در امور اقتصادی کشورهاشان مداخله کردند. هدف از این مداخلات ایجاد یک اقتصاد ملی قوی و فراهم آوردن خدمات اجتماعی نظیر بانک و بیمه، ارتباطات و حمل و نقل و ایجاد رفاه برای عموم مردم بود. مشارکت گسترده کشور در امور اقتصادی به صورت زیادی قراردادهای انحصاری مابین سرمایه‌گذاران خارجی و دول وابسته قبلی را تحت تاثیر قرار داده و در بعضی موارد دخالت کشور میزبان باعث سلب مالکیت دارایی‌های سرمایه‌گذاران خارجی شد. بخش‌های کلیدی اقتصادی نظیر زمین، منابع طبیعی و سایر سرمایه‌ها که به طور عمده متعلق به امپراطوری‌های ملل استعماری بود به مالکان حقیقی آن‌ها تعلق یافت. توسعه اقتصادی کماکان روند روبه رشد خود را ادامه داده و در پرتو همکاری‌های بین‌المللی نمایان گردیده است.

### ۱- قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو معنا و مفهوم

در عمل اینکه یک قرارداد شرایط قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی را داشته باشد وابسته به تعریف سرمایه‌گذاری از سوی توافقات بین‌المللی است. مقیاس‌های حمایت از حفظ سرمایه‌گذاری‌ها، در قراردادهای بین‌المللی تنها برای سرمایه‌گذارانی به کار می‌رود که سرمایه‌گذاری آن‌ها دارای شرایط قوانین



مرتبطی باشد و تحت این قوانین قرار گیرد، در نتیجه حکمیت‌های دولتی - سرمایه‌گذاری بایستی قبل از پذیرش قوانین بررسی کنند که آیا این سرمایه‌گذاری تحت قرارداد سرمایه‌گذاری مربوط قرار می‌گیرند یا نه؟ اما مشکل آنجا است که هیچ تعریف مورد توافقی برای سرمایه‌گذاری وجود ندارد. حتی کنوانسیون ایکسید به عنوان تنها وسیله بین‌المللی ارائه دهنده سیستم‌های دائمی حل منازعات در این زمینه تعریفی برای واژه سرمایه‌گذاری ندارند. روندهای مورد پذیرش در کنوانسیون به طرفین محاکم ایکسید این امکان را می‌دهد که یک قرارداد را به عنوان یک قرارداد سرمایه‌گذاری تشریح کند. اکثر قراردادهای سرمایه‌گذاری دوطرفه یا چند طرفه و معاهدات تجاری سرمایه‌گذاری را به وسیع‌ترین شکل تعریف کردند تا بتواند کلیه سرمایه‌گذاری‌ها را بدون توجه به فرم شکل‌گیری یا نامی که با آن خوانده می‌شوند تحت کنترل در آورند. قراردادهای سرمایه‌گذاری معمولاً شامل کلیه سرمایه‌گذاری‌هایی که دارای شاخص هستند می‌گردد، اما شامل لیست محدود کننده سرمایه‌های تحت پوشش نیستند. به عنوان مثال بند ۹ قرارداد بلژیک/ لوکزامبورگ - اندونزی بی‌آی تی در سال ۱۹۷۲ اشاره دارد که قرارداد تنها شامل سرمایه‌گذاری‌های منعقد شده در اندونزی است که پیروی از قانون سرمایه‌گذاری خارجی اندونزی یا سایر قوانین مرتبط را پذیرفته است (Borduck, 2008: 64) در آنالیز قانونی قدرتهای وابسته، محاکم مالزی عناصر زیر را به عنوان خصوصیات یک سرمایه‌گذاری شناسایی کردند (Broches, 1966, 261- 268).



(Broches, 1966, 261- 268)

بر طبق این معیارها یک قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی نوعی قرارداد دولتی است که بین یک سازمان دولتی و یک شرکت خارجی یا یک فرد خصوصی برای اجرای توسعه عمومی پروژه که شامل درجه قابل توجهی از خطرات است، منعقد می‌شود و انتظار می‌رود که در یک دوره زمانی طولانی انجام گیرد. با تغییر وضعیت قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی این قراردادها دیگر در زمره قراردادهای تجاری انحصاری نبودند



در نتیجه ویژگی قانونی این قراردادها مجدداً احیا شد. انگیزه دولت میزبان برای عقد قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی توسعه اقتصادی و رفاه مردمش است. به صورت یک قانون عمومی، اگر در یک موضوع منافع عمومی مطرح باشد و نیاز برای تنظیم آن موضوع وجود داشته باشد این موضوع تحت قانون عمومی قرار می‌گیرد. غیر قابل انکار است که بسیاری از موضوعات بین دولت‌ها و بخش‌های خصوصی خارجی شامل مواردی نظیر مصادره، حمایت‌های زیست محیطی، مالیات و حقوق نیروی کار، در حوزه حقوق عمومی قرار می‌گیرد (Rodrick, 2008: 66).

## ۲- ارتباط بین سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی

سرمایه‌گذاری‌های خارجی به صورت اتوماتیک باعث افزایش رشد اقتصادی نمی‌شود. نقش قانون در افزایش توسعه اقتصادی پایدار قابل بحث است. مطالعات نشان می‌دهد که کاهش کنترل بر روی سرمایه‌گذاری خارجی نه تنها منافع بالقوه سرمایه‌گذاری‌های خارجی را افزایش می‌دهد بلکه باعث ایجاد مضرات برای محیط زیست نیز می‌گردد (Rodrick, 2007: 22). در دهه ۱۹۷۰ تحت فشار کشورهای در حال توسعه و سازمان‌های غیر دولتی مجمع عمومی سازمان ملل، مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها را جهت تصحیح عدم تعادل قراردادها و بازگرداندن قدرت کشورهای در حال توسعه برای نظارت بر تحول روابط به شیوه‌ای سازگار با سیاست‌های توسعه ملی پذیرفت. هنجارهای مربوط در تکامل ارزش‌ها و استانداردهایی که منعکس‌کننده ارتباط سرمایه‌گذاری خارجی با توسعه اقتصادی است سهم مهمی دارد.

امروزه، توجه رو به رشد به حقوق بشر، محیط زیست و حقوق اجتماعی انسان‌ها در سرمایه‌گذاری‌های خارجی جزء مهم‌ترین خواسته‌های حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی است و با توجه به این مسائل حفظ و توسعه سرمایه‌گذاری بین‌المللی دیگر تنها هدف قانون سرمایه‌گذاری بین‌المللی نمی‌باشد. در جهان کنونی، مراجعه به قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی، به عنوان قرارداد توسعه اقتصادی معمول است. این قراردادها وسیله‌ای برای بهینه‌سازی شرایط اقتصادی کشور میزبان و افزایش کیفیت زندگی و استانداردهای آن است. تضادها و تعارضات بین حقوق دانان و سیاستمداران در کشورهای در حال توسعه در برابر بعضی از خواسته‌های کشورهای توسعه یافته نیز عامل مهم دیگری است که به شدت منازعات سرمایه‌داری بین‌المللی دامن می‌زند. بسیاری از قوانین در قراردادهای دولتی توسط اندیشمندان کشورهای پیشرفته‌ای نگاشته شده است که در مورد سیستم‌های قانونی کشورهای در حال توسعه و نیازمندی‌ها، خواسته‌ها و چشم‌اندازهای آنان اطلاع کافی ندارند. این امر باعث توسعه دیدگاه‌های نامتعادل در زمینه ماهیت و محتوی قوانین بین‌المللی در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی شده و اهداف ملل توسعه یافته را برای حمایت از سرمایه‌گذاری در ایجاد مبنایی برای



قانون بین‌المللی در زمینه سرمایه‌گذار خارجی توسعه می‌دهد. قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی نقش مهمی را در فرایند توسعه اقتصادی کشورهای توسعه یافته ایفا می‌کند و پذیرفتنی نیست که یک کشور میزبان از سیستم قانونی به غیر از سیستم قانونی کشور خود برای کنترل قراردادهای منعقد شده با یک طرف خصوصی خارجی استفاده کند (بوردوخ، ترجمه طیبی، ۱۳۹۳: ۱۳۴). در نتیجه کشورهای میزبان معمولاً با استفاده از قوانین ویژه‌ای، این قراردادها را تحت کنترل قرار می‌دهند که نشان دهنده سیاست‌های پیشرفته آنان است. در صورت عدم استفاده از این قوانین، فرصت‌های بسیار زیادی برای توسعه اقتصادی کشورهای میزبان از بین می‌رود.

در اینجا لازم است به بیان تفاوت مهم میان سرمایه‌گذاری بین‌المللی و قراردادهای فروش بین‌المللی پرداخته شود. تفاوت میان سرمایه‌گذاری بین‌المللی و قراردادهای فروش بین‌المللی آن است که سرمایه‌گذاری‌های خارجی سرمایه‌جدیدی را به کشورهای میزبان منتقل می‌کند اما قراردادهای تدارکاتی یا فروش، چنین سرمایه‌هایی را برای کشور میزبان فراهم نمی‌کند (توسلی نائینی، بهزادی پور، ۱۳۹۵: ۷) نظیر همه قراردادهای سرمایه‌گذاری نمی‌تواند کلیه جنبه‌های رابطه قانونی را عهده‌دار شود. بنابراین قرارداد بایستی بر یک سیستم قانونی خاص یا مجموعه‌ای از قوانین یا اصول تعلق داشته باشد. شیوه‌ای رایج برای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی خصوصاً در کشورهای پیشرفته یک قرارداد دولتی است. می‌توان پایه‌ای قانونی برای ارتباطات سرمایه‌گذاری ما بین سرمایه‌گذار خارجی و دولت میزبان ایجاد کرد، این مجموعه معمولاً تحت عنوان قانون قابل اجرا یا قانون حاکم خوانده می‌شود (Curries, 1963: 170) قانون بیان نمی‌کند که نتیجه چه خواهد بود بلکه بیان می‌کند که کجا باید به دنبال نتیجه گشت و نویسنده این قانون قادر به پیش بینی نتیجه نیست. هدف از چنین قوانینی تحمیل دستورالعمل‌های خارجی به کشورهاست. این قوانین توسط هیئت‌های مقننه‌ای که به نتایج قابل پیش بینی علاقه دارند ایجاد نشده است.

### ۳- ماهیت و خصوصیات قراردادهای دولتی

فرضیه قراردادهای دولتی موضوع پیچیده‌ای است که کلیه قانون‌گذاران در هر دولتی با آن مواجه هستند. دلیل این پیچیدگی اختصاصی بودن این فرضیه است که آن را از نسبت داده شدن به نوع خاصی از قوانین از قراردادهای قانون شهری سنتی باز می‌دارد. هیچکس انکار نمی‌کند که این نوع قرارداد در روابط اساسی دارای ویژگی قوانین شهری است. به طور همزمان این قرارداد دارای عناصر خاصی از روابط قانون عمومی یا قانون اجرایی می‌باشد. به دو دلیل زمانی که قراردادهای دولتی وارد زمینه قانون بین‌المللی می‌شود مشکل



افزایش می‌یابد. اولین دلیل آنکه بین‌المللی شدن قراردادهای دولتی به دنبال حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی بوده و این امر نشان می‌دهد که این قراردادها همیشه مشابه قراردادهای شهری در سطح محلی عمل نمی‌کنند (میرباقری، ۱۳۹۷: ۸۱) دلیل دوم آن است که از زمان فروپاشی استعمارگری، در ایجاد محیط سرمایه‌گذاری پر سود، تاثیر دولت‌ها، سرمایه و سیاست خارجی آن‌ها به شدت به یکدیگر وابسته بوده و می‌باشد. در نتیجه دول صنعتی از طریق سیاست‌های مالی - بین‌المللی به دنبال آزاد سازی سرمایه‌گذاری بودند تا بتوانند با حذف موانع قانونی امکان ورود سرمایه‌گذاری شرکت‌های خود را در کشورهای میزبان در حال توسعه فراهم کنند. در مقابل کشورهای در حال توسعه، با تقویت روند اجرایی سنتی قانون شهری به حمایت از یک دکترین حق حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی پرداخته تا بتوانند سرمایه‌گذاری در کشورهای میزبان را به صورت محلی کنترل کرده و آن را تحت تسلط قوانین کشور میزبان در آورند. از نظر آن‌ها، قانون عمومی راهی برای اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بوده و سبب می‌شود از فعالیت‌های شرکت‌های خارجی که فاقد استانداردهای سیاسی لازم هستند جلوگیری کند (رضایی زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۷) تکامل اصول جدید حقوق بین‌الملل خصوصیات قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی را از زاویه توسعه اقتصادی تحت تاثیر قرار داده است. در نتیجه قراردادهای خارجی دیگر تحت کنترل قوانین عادی قراردادهای نمی‌باشد.

#### ۴- تکامل فرضیه قواعد عمومی قراردادها

امروزه تشخیص مصالح عمومی و خصوصی چندان آسان نیست. کنترل روابط بین افراد و حل صلح آمیز اختلافات، جز مصالح کشور و جامعه و همچنین جزء مصالح افراد خصوصی است. قوانین عمومی جهت اجرا و انجام مصالح عمومی، حدود و محدودیت‌هایی را برای حقوق خصوصی ایجاد می‌کند. حمایت از مصرف کننده و قانون درآمد حداقل نمونه‌هایی از این محدودیت‌ها هستند. با توسعه رفاه اجتماعی در اواخر قرن نوزدهم در اروپا فعالیت‌های دولت که قبلاً محدود به حفظ قانون بود، به دامنه وسیعی از فعالیت‌ها نظیر بیمه اجتماعی، سلامت، آموزش، خانه و حمل و نقل گسترش پیدا کرد. برای انجام این وظایف سازمان‌های دولتی بایستی از طریق عقد قرارداد با ارگان‌های صنعتی و تجاری خصوصی و همچنین بنگاه‌های کشوری ارتباط برقرار می‌کردند. بنابراین فرضیه قواعد عمومی قراردادها، برای معرفی حیطه حقوق قراردادهای ایجاد شد (ره پیک، ۱۳۸۴: ۷۷) یک قرارداد تجاری معمولی با یک قرارداد دولتی دارای تفاوت‌های بسیار مهمی می‌باشد. دلیل تفاوت قراردادهای دولتی با یک قرارداد تجاری معمولی، در انگیزه دولت برای ورود به قراردادها و تامین منفعت مردم کشور میزبان است. دولت بر اساس علایق عمومی رفتار می‌کند. ارزش آن‌ها



تامین نیازهای اختصاصی عموم مردم به عنوان کل جامعه است. بیانیه اولیه قانون فرانسوی در این باره می‌نویسد:

در هر قرارداد که شامل عملکرد و اجرای برخی از خدمات عمومی است یک کشور به عنوان یک فرد معمولی قرارداد نمی‌بندد. حمایت از علایق افراد مورد توجه نیست. کشور از جانب جامعه برای لزوم تامین خدمات عمومی و برای علایق عمومی معمول قرارداد می‌بندد (روان، ترجمه خلجی، ۱۳۹۷: ۳).  
در واقع دولت، دارای مزیت است به این دلیل که جزئی از قانون است و از سوی دیگر طبق این سنت قانونی که قراردادها به دو بخش عمومی و خصوصی تقسیم می‌شوند زمانی که قراردادی بین یک کشور یا سازمان آن کشور و یک شهروند بسته می‌شود، مرز بین این دو یک شاخص تصمیم گیرنده در تعیین درجه کنترل دولت در روابط قراردادی است.

#### ۵- ضوابطی برای تعیین قراردادهای اجرایی

قضات اجرایی فرانسه و آلمان سه معیار برای تعیین قراردادهای اجرایی دارند این سه شاخص عبارتند از الف: ماهیت طرفین قرارداد، این امر بدان معنی است که حداقل یکی از طرفین بایستی حکومتی باشد. ب: قرارداد بایستی در بر دارنده مصالح جامعه باشد. پ: قرارداد بایستی شامل مواردی باشد که امکان تغییر یک جانبه قرارداد را توسط دولت فراهم سازد.

در موضوع قرارداد بر اساس تئوری قراردادهای اجرایی، طبیعت قواعد عمومی قراردادهای دولتی اساساً ناشی از این امر هست که یکی از طرفین قرارداد بایستی یک کشور یا سازمان کشوری باشد. در قانون اجرایی فرض می‌گردد که تصمیمات حکومت تنها بر اساس مصالح عمومی است (Vedel and Delvolvé, 1992: 36) بنابراین طرفداران قراردادهای اجرایی معمولاً بر این نکته پا فشاری دارند که در قراردادهای عمومی، حکومت منافع عمومی را در نظر گرفته و هر قرارداد جهت اجرای برخی از خدمات عمومی انجام می‌گیرد. به هر حال در تصمیمات بعدی دادگاه‌های اجرایی، حضور یک مقام دولتی در قرارداد به تنهایی برای در نظر گرفتن قرارداد به عنوان قرارداد عمومی کافی نبوده، زیرا برخی از این قراردادها خصوصیات واقعی را از لحاظ قانون برای مطرح شدن به عنوان قراردادهای دولتی ندارد (اعلایی فرد، ۱۳۸۴: ۵۸).

مصرف همگانی و عمومی مهم‌ترین خصوصیت قراردادهای اجرایی است زیرا برخی از مواقع اجرای یک عمل برای منافع عمومی به تنهایی کافی است که قرارداد را در زمره قواعد عمومی قراردادها قرار دهد حتی قرارداد بین دو فرد ممکن است بین حقوق خصوصی و قرارداد عمومی بررسی شود چنانچه اگر حداقل





یکی از طرفین جهت انجام کارهای عمومی تحت قیومیت یک شخص عمومی باشد. در این مورد وضعیت قانونی قرارداد پذیرفته شده توسط اشخاص خصوصی ممکن است متکی و وابسته به قرارداد اصلی امضا شده توسط قدرت عمومی باشد (Clamens, 2008: 42).

در این ارتباط قراردادهای تامین عمومی که شامل خرید کالاها و قرارداد خدمات برای خدمات‌های قراردادی برای مصرف دولت، وزارتخانه‌ها و سایر سازمان‌های دولتی است باید از طبقه قراردادهای حقوق عمومی مجزا گردد. علت این امر آن است که قراردادهای تامین مواد، برای عموم مردم فایده‌ای ندارد و تنها برای سازمان‌های عمومی که درخواست خدمات کرده‌اند، مفید واقع می‌شود. مفهوم قرارداد اجرایی و معیارهای تشخیص قراردادهای عمومی از قراردادهای خصوصی به دلیل عدم مشابهت این دکتین در سایر قوانین باعث ایجاد یکسانی در اصول و عرف‌های موجود نمی‌گردد. در زمینه دکتین محدودیت مصونیت سیاسی کشور برای اهداف تعیین عملکردهای مصون و آزاد و عملکرد غیر مصون کشور، به نظر می‌رسد معیارهای پذیرفته شده تا میزان بیشتری در عرف بین‌المللی پذیرفته شده است. بنابراین این معیارها راهنماهای عملی برای تعیین این امر هستند که چه فعالیت‌هایی ناشی از ویژگی‌های حکومتی یک کشور است و چه عملکردهایی ناشی از این ویژگی نیست (borduck, 2008: 35).

## ۶- قراردادهای دولتی در کشورهایی با حقوق عرفی

در سیستم‌های حقوق عرفی قوانین مشخصی برای قراردادهای دولتی وجود ندارد زیرا هیچ خط مشی مشخصی، حقوق عمومی را از حقوق خصوصی جدا نمی‌کند. در کشورهایی با قوانین عرفی خصوصاً در انگلستان، آمریکا، استرالیا و سایر کشورهای مشترک المنافع، اصل عمومی ایجاد شده توسط سیستم حقوقی، پیشنهاد می‌کند که یک قرارداد دولتی با موجودیت خصوصی توسط اصول قراردادی که اصول حقوق قراردادهاست، کنترل گردد. حقوق قراردادهای چارچوبی قانونی است که قراردادهای بین دو حزب غیر دولتی را کنترل می‌کند. به عنوان مثال ساختار حقوقی آمریکا تصریح می‌کند؛ زمانیکه امریکا وارد روابط قراردادی می‌شود حقوق و وظایف آن در قرارداد تحت کنترل قانونی است که برای قراردادهای بین اشخاص خصوصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. زمانی که تگزاس، یکی از طرفین قرارداد با شهروندان است، قانونی که برای کنترل قرارداد مورد استفاده قرار می‌گیرد مشابه قانون به کارگرفته شده در قراردادهای بین افراد است. کشورهایی با قوانین عرفی تصدیق می‌کنند که قرارداد ایجاد شده با یک سازمان دولتی حداقل از لحاظ شکل گیری و روند با قرارداد ایجاد شده با بخش خصوصی متفاوت است (Whittaker, 2001: 103-104). از سوی دیگر، ورد راد کلیپ، دکترین انگلیسی غیر ممکن شدن اجرای قرارداد رابه صورت زیرتفسیر می‌کند.





عدم امکان اجرای قرارداد زمانی اتفاق می‌افتد که دادگاه تشخیص دهد الزامات قراردادی بین طرفین، از سوی یکی از طرفین قرارداد غیر قابل اجراست زیرا موارد قانونی نسبت به زمان عقد قرارداد کاملاً تغییر کرده است (صالحی مازندرانی، استادی، ۱۳۹۳: ۸۱). این فرضیات همگی با تغییرات ایجاد شده در حقایق تجاری قانونی و اقتصادی موجود در قراردادها سرو کار دارد.

#### ۷- معیارهای پذیرفته شده در دکترین مصونیت سیاسی

دادگاه‌ها در کشورهایی با قوانین عرفی در زمان برخورد با منازعات موجود در یک قرارداد دولتی، نیازی به تشخیص جنبه‌های ویژگی حقوق عمومی از حقوق خصوصی ندارند. به هر حال، در موارد خاص حضور یک کشور در منازعات قراردادی این فکر را به وجود می‌آورد که حزب دولتی قرارداد، بر اساس ظرفیت حکومتی خود یا ظرفیت غیر حکومتی عمل کرده است. چراکه شناسایی وضعیت کشور در روابط قراردادی مفاهیم قانونی مهمی دارد. در قانون مورد استفاده برای این روابط، امتیاز ویژه مصونیت سیاسی و مسئولیت‌ها همگی وابسته به دولت است. جهت تشخیص قراردادهای تجاری از دولتی دادگاه‌های اروپا و آمریکا، دو آزمون را به کار می‌گیرند. آزمون هدف و آزمون ماهیت؛ در آزمون هدف، دادگاه برای تشخیص قرارداد به عنوان قرارداد دولتی به هدف قرارداد نگاه می‌کند. کاربرد این آزمون اثبات کرد که تئوری محدود کننده که اکثر قراردادهای منعقد شده توسط دولت را قرارداد عمومی تلقی می‌کرد نامطلوب است. بنابراین این قرارداد توسط قرارداد ماهیت که نیازمند آزمون ماهیت قراردادهای مورد بررسی بود جایگزین شد. در قرارداد منعقد شده بین رومانی و گارانتی تراسکو، آزمون هدف توسط دادگاه انجام شد و مشخص شد که خرید قایق برای ارتش یک قرارداد دولتی است (borduck, 2008: 38).

#### ۸- قراردادهای حقوق عمومی در مقایسه با قراردادهای حقوق خصوصی

اصل عمومی ایجاد شده در سیستم‌های قانونی عمده آن است که دولت دارای نیروی یک جانبه جهت تغییر یا پایان دادن به الزامات قراردادی خود است و این در صورتی است که مصالح عمومی چنین اقتضا کند. به عبارت دیگر از دیدگاه قانونی رابطه کشور- شهروند نمی‌تواند ماهیت خالص قرارداد باشد. میوت معتقد است هر فردی که وارد یک قرارداد عمومی می‌شود، فوراً تحت کنترل قدرت سرپرستی دولت در می‌آید. قرارداد پیش شرط چنین کنترلی است اما این کنترل به هیچ وجه قراردادی نیست. این اظهارات نشان می‌دهد



که طرفین قرارداد دولتی توسط وضعیت موجود و نه توسط انتخاب‌های آزادانه خودشان محدود می‌شوند.  
(Mewett, 1959: 222- 226)

در قراردادهای اجرایی کشور از لحاظ قانونی در موقعیت برتر قرار دارد این امر بدان معنی است که کشور، می‌تواند مسئولیت‌های سایر طرفین قرارداد را تغییر داده و یا حتی در صورتی که عملکردش دیگر به نفع کشور نباشد قرارداد را پایان دهد (Mustill and Boyd, 2001: 255). طرف دیگر یک قرارداد دولتی معمولاً یک شرکت چند ملیتی است که قدرت اقتصادی زیادی دارد. وجود چنین عدم تساوی مغایر با اصل اساسی دو طرفه بودن در حقوق قراردادهای و خصوصاً در قواعد عرفی است. در حالی که در یک قرارداد کاملاً خصوصی هر دو طرف به دنبال منافع خود هستند. در قراردادهای دولتی، طرف حزب کشوری به دنبال منافع خود نیست و منافع عمومی برای او اهمیت دارد. این امر که قراردادهای دولتی بر اساس منافع عمومی عمل می‌کند به دولت اجازه می‌دهد که حقوق قانونی یا خصوصی موجود که شامل حقوق صادر شده از قرارداد نیز می‌باشند را نادیده بگیرد. یکی از خصوصیات متمایز قراردادهای دولتی خصوصاً قراردادهای سرمایه گذاری خارجی آن است که اجرای چنین قراردادهایی نیازمند روابط طولانی مدت است. مدت طولانی چنین قراردادهایی آن‌ها را در معرض تاثیرات اقتصادی یا سیاسی قرار می‌دهد که در زمان عقد قرارداد غیر قابل پیش بینی بوده‌اند (Berger, 2004: 4).

از سوی دیگر، فعالیت‌های قراردادهای دولتی در حوزه کشور میزبان صورت گرفته و در نتیجه به کارگیری قوانین محلی کشور از اهمیت اصلی برخوردار می‌باشد. معمول است که هر فردی که به عنوان یک خارجی وارد کشوری می‌شود، نسبت به قوانین آن کشور وفادار باشد. در مقابل طرفین قراردادهای تجاری بین‌المللی خارج از قلمرو کشور میزبان عمل می‌کنند. بنابراین آن‌ها از طریق انتخاب یک سیستم قانونی دیگر می‌توانند از بکارگیری قوانین محلی اجتناب کنند، حتی اگر این قوانین اجباری باشد. مسلماً این ویژگی‌های بیان شده برای قراردادهای اجرایی مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین ویژگی‌ها بودند. تفاوت‌های دیگری نیز نظیر روند بستن قرارداد، شکل آن و تفاوت‌های دیگری نیز بین قراردادهای وجود دارد. رژیم قانونی هر کشور، که دولت آن یک قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی را امضا می‌کند بایستی ماهیت قرارداد، حقوق و الزامات طرفین و کلیه موضوعات مرتبط با قرارداد را تعیین کند. بعضی از قوانین ملی برخی از کشورها نظیر فرانسه و سایر کشورهای اروپایی، با قوانین مدنی دارای مفاهیم پیشرفته‌تری پیرامون قراردادهای خدمات عمومی هستند. در این کشورها، پذیرفته شده که الزامات موجود در قراردادهای دولتی در صورت مصلحت عمومی قابل فسخ است. بر طبق تئوری فرانسوی قراردادهای اجرایی، ایده کلی توسعه مفهوم قراردادهای اجرایی ایجاد تعادل



بین مصالح بخش خصوصی و سازمان‌های دولتی است. از یک سو، واحد دولتی می‌تواند به صورت یکطرفه برای منافع عمومی قرارداد را تغییر دهد. از سوی دیگر، بخش خصوصی در مقابل ضررهای استثنایی حمایت می‌شود بنابراین این تئوری دکترین کلاسیکی است که برای قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی مورد استفاده قرار گیرد (Vedel and Delvolvé, 1992: 59)

#### ۹- قراردادهای دولتی در بخش سرمایه‌گذاری خارجی و داوری اختلافات سرمایه‌گذاری

مفهوم قراردادهای اجرایی دولتی که در اکثر سیستم‌های شهری توسعه یافته وجود دارد زمانی که وارد قوانین بین‌المللی می‌شود، نامشخص‌تر و بحث‌برانگیزتر است. واژه قراردادهای عمومی اولین بار در سیستم حقوق بین‌الملل در اواخر قرن بیستم مطرح شد (Mann, 1944: 11). عدم مشخص بودن وجدالی بودن این امر ناشی از این حقیقت است که قراردادهای قانون بین‌المللی هیچ‌گاه با روابط قراردادی بین بخش‌های خصوصی سرو کار نداشته و همچنین ناشی از تئوری بین‌المللی شدن قراردادهای دولتی است که تعیین‌کننده خصوصیات قانون عمومی قراردادها می‌باشد.

زمانی که محیط قانونی انحصارهای سنتی به دلیل از بین رفتن استعمار به مقدار زیادی تغییر کرد، شیوه محکمه بین‌المللی در دهه ۱۹۵۰ تئوری بین‌المللی سازی را توسعه داده و اختلافات برخاسته از روابط قراردادی بین کشور و بخش خصوصی خارجی را تحت قانون قراردادهای عمومی آورد. مکانیزم داوری، نوعی عملکرد سیستمی جدیدی بود که ترکیبی از خصوصیات محاکم حقوق بین‌الملل عمومی بین کشورها و حکمیت قانون بین بخش‌های تجارت خصوصی را در بر می‌گرفت (Mustill and Boyd, 2001: 54) بر اساس روند، داوری دولتی با خصوصی تفاوت نداشته و آنها باید به صورت مساوی بر اساس ظرفیت خود عمل کنند و بایستی وضعیت آنها مشابه طرفین قرارداد در یک قرارداد خصوصی باشد. از زمان ظهور داوری سرمایه‌گذاری، دولت به عنوان شیوه‌ای برای حمایت از سرمایه‌گذاری قوانینی که به نفع سرمایه‌گذاری خارجی بود مورد حمایت قرار گرفت (Sornarajah, 1991: 50). در مقابل قوانینی که نشان‌دهنده ریسک برای سرمایه‌گذار خارجی هستند توسط مخالفین بین‌المللی سازی قراردادهای دولتی رد شد. هنوز این اختلاف وجود دارد که آیا قوانین بین‌المللی با موضوعات حقوق قراردادها سر و کار دارد یا قانون یا اصولی از حقوق بین‌الملل وجود دارد که با قراردادها سرو کار دارد. محیط قانونی قراردادهای خارجی، به شدت متزلزل است در حالیکه یک محیط قانونی پایدار و شفاف، برای قراردادهای خارجی یک شاخص اساسی برای توسعه اقتصادی در جهان است. کوشش‌هایی جهت ایجاد قراردادهای سرمایه‌گذاری چند جانبه تا کنون



شکست خورده‌اند. به نظر می‌رسد تزلزل موجود در سیستم‌های داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی، با پذیرش قواعد عمومی در قراردادهای دولتی از سوی قضات از بین برود. بنابراین، قواعد بین‌المللی در سرمایه‌گذاری‌های خارجی به جای فراهم کردن اصول تجاری خالص جهت کنترل قراردادهای خصوصی بین افراد بایستی تئوریهای قانونی سیستم‌های حقوق داخلی را جهت تطبیق منافع کشور با منافع افراد به کار گیرد. بسیاری از افراد معتقدند که حقوق بین‌المللی بایستی خصوصیات قواعد عمومی موجود در قراردادهای دولتی را شناسایی کند (Chukwumerije, 1968: 20-23) از سوی دیگر، ایجاد شیوه‌های تسلط دائم بر منابع طبیعی شدیداً در ایجاد یک دیدگاه متعادل که تشخیص دهنده درجه قدرت یک کشور در قراردادهای با اهمیت عمومی است نقش دارد (بوردوخ، مترجم طیبی ۱۳۹۳: ۱۲۴).

#### ۱۰- رایج‌ترین انواع قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی

قراردادهای دولتی در بخش سرمایه‌گذاری خارجی دامنه وسیعی از موضوعات نظیر توافقات وامی، قراردادهای خرید برای تجهیزات یا خدمات یا پروژه‌های زیر ساختی بزرگ نظیر ایجاد بزرگراه‌ها، فرودگاه‌ها و یا سدها را در بر می‌گیرد. مسئله انتخاب قانون وابسته به نوع قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی است. در برخی از قراردادها نظیر قراردادهای انحصاری و فعالیت‌های اقتصادی مشترک، ارتباط قانون‌گذاری محلی بیشتر از قوانین بین‌المللی است. در مقابل در توافقات انتقال تکنولوژی و قراردادهای وامی کاربرد قوانین به جز قوانین کشور میزبان مناسب‌تر است (رضایی زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۱). بنابراین قبل از انتخاب قانون به کارگرفته شده بایستی به نوع قراردادهای سرمایه‌گذاری و طبیعت آن‌ها توجه کرد.

#### ۱۰-۱ قراردادهای اعطایی یا انحصاری

معمول‌ترین نوع همکاری‌ها بین یک کشور و بخش خصوصی قرارداد بهره‌برداری از منابع طبیعی است که تحت عنوان قراردادهای اعطایی نامیده می‌شود. قراردادهای اعطایی دارای دو خصوصیت اصلی هستند. اول اینکه این قراردادها قدیمی‌ترین نوع قراردادها و همکاری تجاری‌اند. خصوصیت دوم اینکه این قراردادها در زمینه قراردادهای دولتی بوده و در نقاطی که کشورهای بلوک شرق و غرب دارای نزاع ایدئولوژیک بودند به شدیدترین مسئله تبدیل شد. قراردادهای انحصاری مدرن امروزه به صورت گسترده در اکثر کشورهای آفریقا و آمریکای لاتین و برخی از کشورهای آسیا و همچنین در کشورهای توسعه یافته آمریکا، کانادا، استرالیا و نروژ استفاده می‌شود (borduck, 2008: 70).



## ۲-۱۰ توافقات فعالیت‌های اقتصادی مشارکتی

فعالیت‌های اقتصادی مشارکتی یکی دیگر از معمول‌ترین و موثرترین ابزارهای تجارت بین‌المللی است. (King, 1998: 227) زمینه‌های مختلفی برای فعالیت‌های مشارکتی دولت با اشخاص حقوقی خارجی وجود دارد نظیر تحقیقات زمین‌شناسی و اکتشافی، مونتاژ و ساخت، تجهیز کارخانه‌ها و ماشین‌آلات و غیره می‌باشد.

### ۱- فعالیت‌های اقتصادی مشارکتی ترکیبی

این فعالیت‌ها شامل ایجاد یک نهاد قانونی مجزا نظیر یک شرکت است. اسناد تشکیل دهنده شرکت معمولاً نشان دهنده حق طرفین برای قرارگرفتن در هیئت مدیره، اخذ رای در مورد حقوق در سطح سهام داران و هیئت مدیره، اختیارات هیئت مدیره، حد نصاب رسمیت جلسات هیئت مدیره و سهام داران و... می‌باشد.

### ۲- شراکت

شراکت معمولاً برای پروژه‌های مربوط به انرژی، توسعه سرمایه و پروژه‌های عوارض راهداری مورد استفاده قرار می‌گیرد. شرکا، سپرده‌ای را به یکدیگر بدهکار بوده و هیچ کدام از طرفین مالکیتی نسبت به سرمایه خاص شراکت ندارند و مشارکت‌ها دارای ماهیت‌های تحمل برای عوارض هستند بدین معنی که عوارض در سطح مستقلی تعیین می‌شوند اما سودها و ضررها از طریق شراکت به سمت شرکا جاری شده و آن‌ها باید برای سهم خود مالیات بپردازند.

### ۳- فعالیت‌های اقتصادی غیر شرکتی

این نوع فعالیت‌های اقتصادی نیاز به ایجاد یک شرکت مجزا ندارد و قرارداد فعالیت‌های اقتصادی مشارکتی، تعیین کننده فعالیت‌های اقتصادی مشارکتی می‌باشد. طرفین قرارداد، سرمایه قراردادهای مشارکتی را به عنوان مستاجر نگهداری کرده و تنها بر اساس موارد قرارداد با آن کار می‌کنند. هر فرد مسئول تقسیم مناسب هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی مشارکتی است (borduck, 2008: 76).

مواد قانونی مربوط به موسسات مشارکتی در قوانین مرتبط وجود دارد. ایجاد فعالیت اقتصادی مشارکتی نه تنها نیازمند مشارکت بخش عمومی در سرمایه پایه موسسه است بلکه همچنین نیازمند ملزوماتی نظیر استخدام و داشتن استانداردهای زیست محیطی و بهداشتی است. موسسه همچنین در مورد مجوزهایی



صادرات و واردات تجهیزات و محصولات، مالیات و نیازمندی‌های تولید تابع سیاست عمومی کشور میزبان است. به طور همزمان موسسه دارای حقوق و مصالح مساوی با نهادهای محلی نظیر قدرت عقد قراردادهای، اندوختن سرمایه و حقوق فردی غیر سرمایه‌ای داشتن مسئولیت و دعوی کردن یا مورد دعوی قرارگرفتن در دادگاه‌های قانونی آن محاکم می‌باشد. در نهایت سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی می‌تواند به شکل یک وام یا مساعده ایجاد گردد. به هر حال زمانی که سرمایه‌گذاری به شکل وام باشد، شرط ضمن عقد قرارداد جهت انتخاب قانون سایر کشورها، قانونی به غیر از قانون کشور میزبان معمول است (Kahn, 1968: 13). در عمل معمولاً قانون کشور وام گیرنده پذیرفته می‌گردد. قوانین ناسازگاری‌های موجود در قرارداد هنوز هم برای چنین قراردادهایی کاربرد دارد زیرا قراردادهای عرفی وام شدیداً شبیه انواع سنتی قراردادهای هستند (Delaume, 1967: 71)

### ۳-۱۰ تغییر خصوصیات قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی

قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی نقش عمده‌ای را در فرایند توسعه اقتصادی خصوصاً در کشورهای درحال توسعه که برای رفاه اقتصادی وابسته به بهره‌برداری از منابع طبیعی هستند ایفا می‌کند. بنابراین این قراردادهای ابزار مهمی برای سیاست توسعه می‌باشد. بدون استفاده از چنین قراردادهایی فرصت‌های عمده برای توسعه صنایع استراتژیک ملی از دست می‌رود. به هر حال تئوری بین‌المللی سازی قراردادهای دولتی به دنبال جدا کردن قراردادهای از تاثیر کنترل‌های ملی است. در نتیجه قوانین کنونی بین‌المللی، کارهای کمی در زمینه نشان دادن نیازهای توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه انجام داده است. به هر حال با تغییر قوانین توسعه بین‌المللی، قوانین بین‌المللی مربوط به حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها نیز تغییر کرده است که بایستی به این تغییرات توجه داشت (Maniruzzaman, 2001: 13).

### ۱۱- ضرورت وجود یک مکانیزم جدید برای حل اختلافات جدید بین کشور و سرمایه‌گذار

از دیدگاه حقوق بین‌الملل عمومی قراردادی، رابطه بین یک کشور و یک فرد، منحصرأ موضوع سیستم قانونی محلی است. به جز موارد اندک، هر کشور دارای حکومت، دارای قدرت تصویب قوانین خود می‌باشد و می‌تواند کلیه افرادی را که تحت قلمرو او قرار دارند به پذیرش این قانون مجبور کند؛ به عبارت دیگر مفهوم سنتی حقوق بین‌الملل خصوصی که برای قرن‌ها غالب بود، قراردادهای را نزدیک‌ترین ارتباط با یک کشور در نظر می‌گرفت. استفاده از این مفاهیم در زمان گذشته پذیرش این امر را غیر قابل اجتناب کرد که مناسب‌ترین قانون برای قرارداد قانون کشور میزبان است. بعلاوه، هیچ نیازی برای توسعه انتخاب تکنیک



های قانونی در زمینه قراردادهای خارجی وجود نداشت زیرا سیستم قانونی کشورهای مستعمراتی وابسته به سیاست کشورهای امپراطوری بود. سرمایه‌گذاران می‌توانستند در صورت تمایل، تجارت کنند یا امتیازات ویژه‌ای به دست آورند (Borduck, 2008: 83). به عنوان مثال در شرکت انگلیسی هند شرقی در هند، سال ۱۶۰۰، قانون وراثتی ایجاد شد به این نحو که اگر حاکم دارای وارث پسر نبود، کنترل ناحیه به کمپانی واگذار می‌شد (Khoshkish, 1983: 8). نمونه دیگر، ملی‌سازی صنعت نفت در ایران در زمان ریاست دکتر محمد مصدق بود. عمل مصدق الگویی برای ملی‌سازی نفت، در کشورهای آفریقای شمالی و جنوبی نظیر مصر، الجزایر، لیبی، نیجریه و گابن به حساب می‌آید.

در سال ۱۹۶۰ سازمان کشورهای صادرکننده نفت یا اوپک توسط عربستان سعودی، ونزوئلا، کویت، عراق و ایران ایجاد شد. بعد از ایجاد و تشکیل اوپک ملی‌سازی نفت در کشورهای خلیج فارس یکی بعد از دیگری انجام گرفت (Finnegan, 2003: 25).

حرکت ملی‌سازی یک جریان نابودکننده برای اقتصاد کشورهای غربی بود که مصرف‌کنندگان عمده نفت بوده و همچنین باعث نابودی سود کمپانی‌های نفتی شد. به عبارت دیگر وضعیت قانونی سرمایه‌گذاری‌های خارجی شدیداً ناپایدار و نامعلوم گشت. طبق قانون بین‌المللی عمومی قوانین بین‌المللی سازی، قلمرو انحصاری کشورهای ایجادکننده ملی‌گرایی بود. دادگاه بین‌المللی عدالت اعلام کرد که هیچ قانونی برای بررسی ادعای انگلستان در مورد ملی‌شدن <sup>1</sup>AIOC توسط دولت ایران وجود ندارد. زیرا این مورد چیزی بیش از یک قرارداد بین یک دولت و یک شرکت خارجی نیست (UK v Iran- ICJ, 1952: 24).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup>. Anglo-Iranian Oil Company





### نتیجه‌گیری

از آنچه درباره قوانین و حقوق بین‌الملل قراردادها در روابط توسعه یافتگی اقتصادی گفته شد، چنین بر می‌آید که قوانین مرتبط در سیستم قانونی کشورهای در حال توسعه مجوزی برای به کارگیری اصول عمومی قانون، به جای قانون کشور میزبان است. جهان کنونی با حاکمیت برابری حقوق دولت‌ها و استقلال ملل در تعیین سرنوشت خود، کنترل قراردادهای خارجی توسط قانون بین‌المللی را عامل توسعه کشورهای در حال توسعه می‌داند و لازم است در نظر داشته باشیم که میزان کاربرد استقلال داخلی در قراردادهای دولتی نظیر قراردادهای بهره‌برداری از منابع طبیعی و قراردادهای ساخت واحدهای صنعتی و ساختارهای زیربنایی منعکس‌کننده سیاست‌های مهم توسعه اقتصادی در یک کشور است. کشورهای میزبان معمولاً به دنبال قوانین اقتصادی نظیر توسعه، محیط زیست و حقوق انسانی در سرمایه‌گذاری‌های خارجی هستند. این امر باعث ایجاد یک روند همگانی شده که مشابه قانون پذیرفته شده است. آشنایی و شناخت هر چه دقیق‌تر این قوانین به ما در رسیدن به توسعه اقتصاد در عرصه جهانی رهنمون می‌سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



### منابع فارسی

- اعلائی فرد، محمدعلی (۱۳۸۴)، اصول حاکم بر قراردادهای پیمانکاری دولتی، فصلنامه عدالت آرا، شماره ۱ پاییز.
- بوردوخ، اویانچیمگ (۱۳۹۳)، توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری از منظر حقوق بین‌الملل، ترجمه سبجان طیبی، فصلنامه حقوقی مجد، سال نهم شماره ۲۳، تابستان.
- توسلی نائینی، منوچهر، بهزادی پور، سعید (۱۳۹۵)، بر هم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد و پیش بینی شرط هاردشیپ در قراردادهای بین‌المللی، فصلنامه دانش حقوق مدنی شماره ۱، سال پنجم، بهار و تابستان.
- رضایی زاده محمدجواد (۱۳۸۷)، ویژگی قراردادهای اداری، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۸ شماره ۲، تابستان.
- ره پیک، سیامک (۱۳۸۴)، مروری بر منابع و مستندات قانون مدنی ایران در قواعد عمومی قراردادها، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۹ شماره ۲۰.
- روان، سولین (۱۳۹۷)، قانون قراردادهای جدید فرانسه، ترجمه روح اله خلجی، پایگاه خبری اختیاری، به نشانی: [www.ekhtebare.com/?p=39448](http://www.ekhtebare.com/?p=39448)
- صالحی مازندرانی، محمد، استادی، مونا (۱۳۹۳)، ممتنع شدن اجرای قرارداد با نگرشی تطبیقی به فقه، حقوق ایران و کامن لا، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱ شماره ۱.
- میربافقی، سیدحسین (۱۳۹۷)، اصول حاکم بر قراردادهای دولتی در حقوق مالیه ایران، فصلنامه دانش حقوق مالیه، سال دوم شماره ۵، پاییز.

### منابع لاتین

- *Anglo-Iranian Oil Co Case (UK v Iran) [1952] ICJ Rep 93, 24.*
- *Berger, Klaus, (2004) 'Renegotiation and Adaptation of International Investment Contracts: the Role of Contract Drafters.*
- *Broches, Aron, (1966) 'the Convention on the Settlement of Investment Disputes: Some Observations on Jurisdiction' 5 Columbia Journal of Transnational Law 261.*
- *Borduck, Oyunchimeg, (2008) Choice of law in state contracts in economic development sector.*



- *Clamens, Stéphanie, (2008) Distinction between Public Service Contracts and Contracts of Private Law to the Glance of Jurisdictional Dualism /translated version / <<http://www.rajf.org/articles/10042001.php> >*
- *Chukwumerije, Okezie, (1994), Choice of Law in International Commercial Arbitration.*
- *Delaume, Georges, (1967) Legal Aspects of International Lending and Economic Development Financing. [http://www.semp.us/publications/biot\\_reader.php/BiotID=227](http://www.semp.us/publications/biot_reader.php/BiotID=227)>*
- *Finnegan, Sean, (2003) Middle Eastern Oil: An Historical Perspective and Outlook, Mercurial Times <http://www.megaone.com/mercurial/mt030525sf1.htm>>*
- *Khoshkish, Anoushiravan, (1983) 'International Law on Investment: An Overview'*
- *1 World Policy Journal 1.*
- *King, Stephen, (1998), 'Short of a Merger: the Competitive Effects of Horizontal Joint Ventures' 6 Competition and Consumer Law Journal 227*
- *Kahn, Philippe, (1968) 'Law Applicable to State Contracts: The Contribution of the World Bank Convention' 44 Indiana Law Journal 1.*
- *Mustill, Michael and Boyd, Stewart, (2001) The Law and Practice of Commercial Arbitration in England.*
- *Mewett, A W, (1959) 'The Theory of Government Contracts', 5 McGill Law Journal 222, 226*
- *Mann, F A (1944) 'The Law Governing State Contracts' 21 British Year Book of International Law.*
- *Maniruzzaman, M, (2001) 'International Development Law as Applicable Law to Economic Development Agreements: A Prognostic View' 20 Wisconsin International Law Journal 1.*
- *Rodrick, Dani, (2007) The False Promise of Financial Liberalization, Global Policy Forum*
- *<http://globalpolicy.igc.org/globaliz/econ/2008/0122falsepromise.htm>*
- *Sornarajah, Muthucumaraswamy, (1991) the Climate of International Arbitration' 8 (2) Journal of International Arbitration.*
- *Vedel, George and Delvolvé, Pierre, (1992), Droit Administratif.*
- *Whittaker, Simon, (2001) 'Public and Private Lawmaking: Subordinate Legislation, Contracts and the Status of 'Student Rules' 21 (1) Oxford Journal of Legal Studies 103.*